

موسیقی



یکی از صور جالب توجه لهستان علاقه وافری است که ملت این کشور ب موسیقی دارد. تهذیب موسیقی در نزد هر فرد متوسط لهستانی در درجه اعلائی قرار دارد. طرز ادا و ابراز طبیعی زارعین لهستانی آواز است در تمام مدت روز در موقع کار یا تفریح آهنگ دلنشینی همواره آماده است تا از لبهای آنها خارج شود این آهنگها مشحون از زیبایی و دلفریبی میباشد.

اولین آثار موسیقی لهستانی مطابق سالهای نخست عصر مسیحیت لهستان میباشد زمانیکه انواع موسیقی وقت آهنگهای مذهبی بودند. قدیمترین قطعه موسیقی که تا بحال نگاهداری شده سرودی بود که برای هم آهنگی با اشعار «وبرجین مادر خدا» ساخته شده بود و این سرود ملی مذهبی سالهای نخستین تراث لهستان بود

پادشاهان لهستان بحد امکان توسعه و ترویج موسیقی را تشویق و ترغیب نمودند در طی قرن چهاردهم نخستین آهنگ پرداز لهستانی که در فن خود استعداد و فوق سرشاری داشت پدیدار گردید. در سال ۱۵۸۰ میکولای گومولکا (Mikolaj Gomolka) - ساخته های مهم خود را که در اثر الغاء موسیقی سلی نوشته شده بود منتشر کرد.

نخستین اوپراهای لهستانی در قرن نوزدهم توسط م. کامینسکی (M. Kamiński) ساخته شده بود که برای موسیقی لهستان عصر مجلسی بشمار مبرفت در همین قرن نخستین آموزشگاه عالی موسیقی تأسیس گردید اوگینسکی (Oginski) مؤلف پولونزهای

عمومی و کولبرک (Kolberg) مؤلف و گردآورنده مجموعه موسیقی نزدیکان و بسیاری از آهنگ پردازان دیگر در طی همین دوره کار کردند.

بالا ترین درجه نبوغ موسیقی در قرن نوزدهم توسط فردریک شوپن (Fryderyk Szopen) بمنصه ظهور رسید یعنی توسط یکی از بزرگترین آهنگ پردازهایی که جهان تا بحال بخود دیده است. شوپن نوازنده ملی لهستان است. موسیقی او که بطور عمیقی باروح لهستانی آمیخته شده است موسیقی ملی لهستان است. منابع آهنگهای شوپن جوهر اصلی روح لهستان میباشد این آهنگها نغمات کار روزانه کشاورزان در مزارع میباشد و نغماتی است که از روی رقصهای روحپرور و مهیج آنان در ساعات عصر در کلبه راحتشان اقتباس شده است. مازورکاهای شوپن همه مشحون از خوش طبیعتی دهاقین لهستانی میباشد. پولونزهای او جوانمردی زیاد نجبا را باثبات میرساند و در تمام آهنگهای او نغمات حزن انگیز ناله تأثر ملی لهستان و اراده آهنین برای تحقیق اعمال و ایده آلهای نجیب وجود دارد موسیقی شوپن در نوع خود بی نظیر است و بزرگی نبوغ او با وجود آنکه اصلاً لهستانی است بقدری انسانی و متعلق به مردم است که او یک فرد عمومی شده است. شوپن در برخی موسیقیدانان دیگر تأثیر زیادی نمود منجمله در موسیقی دانانی مثل لیست (Liszt) و واگنر. در حدود او اواسط قرن نوزدهم استانیسلاو مونیوشکو (Stanislaw Moniuszko) خوش قریحه دارترین سازنده آهنگهای اوپرا، اوپراهای مختلف زیادی که دارای ارزش هنرپیشگی بودند نوشت. هالکا (Halka) و دژافسون شده (Straszny Dwor) و وربوم نوبل (Verbum Nobile) و کنتس (Hrabina) و غیره، سایر موسیقی دانان معروف لهستان در قرن نوزدهم عبارتند از:

• وینیاوسکی (H. Wieniawski)، ژلینسکی (Zelenski)، نوسکووسکی (Noskowski)، نیویادومسکی (Niewiadomski)، اوپنیسکی (Opienski) نووویسکی (Nowowiejski) و آدام وینیاوسکی (Adam Wieniawski) اخیراً هم آهنگ پرداز جوان دیگری بنام میچسلاو کارلویچ (Mieczyslaw Karłowicz) زندگانی میکرد که



شوپن

از نوابع فن خود بود و آثیه
بسیار درخشانی در پیش داشت
مرک این آهنگ پرداز در
نتیجه يك حادثه حزن آور
که در کوهستانهای تاترا اتفاق
افتاده لهستان را از یکی از
بزرگترین آهنگ پردازهای
جوانش محروم کرد.

اوسمفونی های بی شماری که
دارای ارزش زیادی بودند از
خود باقی گذاشت. لودومبرو
ژیتسکی (Ludomir Rozycki)

و کارول شیمانوسکی
(Karol Szymanowski) که

هر دو از آهنگ پردازهای

مشهورند «لهستان جوان» را بخوبی بدنیامعرفی نمودند. مرک بیموقع شیمانوسکی فقدان
بزرگی بود برای موسیقی لهستان، او بزرگترین موسیقی دان لهستانی عصر خویش
بود و نفوذ قاطعی بر روی نژاد جوان موسیقی دانان لهستانی نمود و او نه تنها در
لهستان مشهور و مورد قدردانی بود بلکه در کشورهای دیگر هم از او تقدیر بعمل
میآمد. در بین جوانترین موسیقی دانان لهستانی این آهنگ پردازها مشخص اند
ما کلاکیویچ (Maklakiewicz) و ویتوویچ (Wojtowicz) پاداروسکی که در طی جنگ
کنونی فوت نمود یکی از بزرگترین نوابع موسیقی بود و بواسطه تعبیر بسیار جالبی
که از موسیقی کلاسیک کرده بود بعنوان یک نفر پیانیست در جهان موسیقی اشتهار



یاداروسکی

زیادی کسب کرد. او بوسیله
 اوپرای معروف خود که مانرو
 (Manru) نام داشت سوابق عالی
 اوپراهای لهستانی را تجدید نمود.
 میخالووسکی (Michalowski)
 اشلیوینسکی (Sliwinski) و هوبرمان
 (Huberman) ژوزف هوفمان
 (Jozef Hoffman) و و. لاندوسکا
 (W. Landowska) ویولونیستهای
 معروف شهرت جهانی کسب نمودند
 فیتلبرگ (Fitelberg) و استوکو-
 ووسکی (Stokowski) و غیره
 برجسته ترین اداره کنندگان
 ارکسترهای موسیقی در لهستان و
 در کشورهای بیگانه میباشند.

در بین خوانندگان لهستانی که نه تنها در لهستان معروف میباشند بلکه بواسطه داشتن
 صدای زیبایشان و کامل بودن هنرشان در پایتختهای کشورهای اروپائی و امریکائی
 نیز اشتهار دارند باید باین خوانندگان اشاره نمود دیدور (Didur) یان کیپورا
 (Jan Kiepora) آداساری (Ada Sari) و باندروسکا تورسکا (Bandrowska Turcka)
 فعالیت موسیقی در ورشو بسیار توسعه و ترویج دارد. ارکستر فیلارمونیک ورشو در
 درجه بسیار بالائی قرار دارد. در کنسرتهای سمفونیک عصرهای جمعه بهترین
 نوازندگان جهان شرکت میکنند و کنسرتهای سمفونیک صبحهای یکشنبه

آثار آهنگ پردازهای جدید و کلاسیک را عمومی مینمایند. در عرض سال بسیاری از هنرپیشگان زبردست لهستانی و خارجی کنسرت‌هایی در این ارکستر فیلارمونیک ورشو میدهند. آموزشگاه عالی موسیقی ورشو یکی از بهترین آموزشگاههای موسیقی اروپا میباشد همچنین اوپرای ورشو نیز یکی از عالیترین اوپراهای سرزمین اروپا میباشد.

نقاشی

تنویر کتب مذهبی هدف عالی نقاشی لهستان در طی قرون ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ بود (پولی کرومی) رنگ آمیزی لهستانی در طی قرن ۱۳ در داخل لهستان نفوذ یافت و در طی قرن پانزدهم موقعیکه ویت استوش (Wit Stwosz) مطابق این سبک محرابی را که بعداً برای کلیسای سنت ماری در کراکوا ساخت بمافوق ترقی خود رسید. در قرن شانزدهم سبک مخصوصی از نقاشی لهستانی در کراکوا بوجود آمد. در طی قرن هفدهم زیگموند سوم پادشاه لهستان مخصوصاً از نقاشی حمایت زیادی کرد و در قرن هیجدهم نیز استانیسلاو اوگوست معروفترین نقاشان آن عصر را اعم از لهستانی یا بیگانه در دربار خود جمع نمود. قرن نوزدهم عهد ترقی توسعه و ترویج نقاشی بشمار میاید. سیمیرادزکی (Siemiradzki) و بسیاری از نقاشان دیگر شهرت زیادی کسب نمودند.

نقاشان تاریخی نیز که دارای قریحه سرشاری بوده‌اند آثار بزرگ و زیبایی از خود بیادگار گذاشته‌اند یان ماتیکو (Jan Matejko) که بزرگترین آن نقاشان بود مهمترین حوادث و وقایع تاریخ لهستان را با رنگهای زیبایی پر از نشاط و زندگی و روح لطیف بایک دقت و حکمت تاریخی که بر قیمت آثارش بیشتر میافزاید نقاشی نموده‌است. یان استیکا (Jan Styka) با کمک کوساک (Kossak) یکی دیگر از نقاشان

برجسته لهستانی وعده دیگری از نقاشان جوان دورنمای مسلسل جنگ را تسلاوینسه (Raclawice) در موقع جنگ روسها که گوشچیوشکو سردار بزرگ لهستانی در آن فاتح گردید نقاشی کرد که امروزه با مواظبت زیادی در شهر لوو (Lwow) نگاهداری میشود تحقیق این نقاشی ثابت میکند که آن آثار اقلأ در نوع خود کمتر نظیر دارند در پایان قرن نوزدهم و ابتدای قرن بیستم نقاشان مشهور عبارت بودند از براندت (Brandt) برادران گیریسکی (Gierynski) حلمونسکی (Chelmonski) و بیروش کورالسکی (Wierusz Kowalski) و اسپیانسکی (Wyspianski) که مخصوصاً بعضی شیشه‌های زیبای رنگی از خود بیادگار گذاشته است که یکی از آنها «خدا پدرها» در کلیسای فرانچیسکانسکی واقع در کراکو و از شاهکارهای این فن بشمار میرود. تاثیرات معنوی نقاشی بوسیله (Impressionism) نقاشان زیادی نشان داده شده است و یچولکووسکی مالچووسکی (Malczewski) مهوفر (Mehoffer) و غیره هنر نقاشی در طی سالهای گذشته در لهستان توسعه و تکامل زیادی یافت مخصوصاً حکاکی و منبت کاری و خاتم کاری ترویج زیادی پیدا کرد. اسکوچیلایس (Skoczylas) بار تلومی یچیک (Bartłomiejczyk) بهترین نمایندگان این هنر میباشند.

هنرهای تئاتری

هنر نمایشی و تئاتری در لهستان نیز مانند کشورهای دیگر از اصل مذهبی سرچشمه میشود. تعزیه‌های مذهبی از قرن یازدهم در صومعه کراکوو تهیه میشد. نمایشهای تئاتری در لهستان از مدتها پیش تهیه شده و بمعرض نمایش گذارده میشد مثلاً در سال ۱۵۷۸ نمایش «عزل مأمورین سیاسی یونان» که توسط شاعر بزرگ لهستانی یان کوخانووسکی نوشته شده بود بمعرض نمایش گذاشته شد. در سال ۱۶۶۱ ترجمه نمایش مشهور سید (Cyd) توسط مورشتن (Morsztyn) شاعر لهستانی در شهر

ورشو تهیه گردیده .

پنج قرن بعد از این تاریخ شالوده تهیه کردن نمایشهای کلاسیک نویسندگان لهستانی و بیگانه مخصوص طبقه متوسط و در تئاترهای خصوصی و اعیانی ریخته شد . تا قرن هیجدهم هنرهای تئاتری در لهستان فقط شاهکار مخصوصی محسوب میشد طبقات نجبا منجمله مشوقین و سرپرستان هنرهای زیبانمایشهای زیادی ترتیب دادند که در آنها اغلب هنرپیشگان مشهور بیگانه نیز شرکت میکردند .

در طی نیمه اول قرن هفدهم جان گرین هنرپیشه معروف در لهستان مشغول بازی بود . هنرپیشگان فرانسوی و بازیکنان اپرای ایتالیا در دربارهای ژیکموند سوم و لادیسلاو چهارم ویان کازیمیر نمایش میدادند نمایشهای مذهبی نیز مانند سابق در آموزشگاه ژوزوئیتها داده میشد .

علاقه توده لهستانی به تئاتر و نمایش فقط از قرن هیجدهم یعنی همان موقعیکه حامی و دوستدار بزرگ هنرهای زیبا پادشاه استانیسلاو و اوگوست در سال ۱۷۶۵ نخستین تئاتر دائمی لهستان را تأسیس کرد پیدا شد . نخستین هنرپیشه بزرگ لهستانی بوگوسلاوسکی (Boguslawski) بود که او را پدر تئاتر لهستان مینامیدند . بوگوسلاوسکی که گذشته از هنرپیشگی نویسنده زبردستی هم بود در توسعه و ترویج هنر تئاتری در لهستان خدمات برجسته‌ای انجام داد . در پایان قرن هیجدهم تمام شهرهای بزرگ لهستان مثل ورشو و کراکو و لور و یلنو و غیره تئاترهای پابرجائی داشتند . زمانیکه سالهای تجزیه فرا رسید هنر تئاتری لهستان کار و وظیفه بزرگی میبایست انجام دهد سانسور روسها و پروسیها در برخی نقاط کشور هرگونه نمایش را بزبان لهستانی بکلی ممنوع کرده و در بعضی نقاط دیگر فقط در مدت محدود و معینی از سال اجازه داده شد . باوجود تمام این مشکلات و محظورات هنر تئاتری لهستان از هیچ گونه کوششی فروگزاری نکرده و وظیفه میهن پرستانه خود را که عبارت از نگاه داشتن زبان لهستانی و انتشار عقاید ملی بود بخوبی انجام داد .

سال ۱۸۱۷ در تاریخ هنر تئاتری لهستان اهمیت زیادی دارد زیرا در این سال برای بار اول بازی آلکساندر فردرو (Aleksander Fredro) مؤسس کمدی لهستان تهیه شده و نمایش داده شد.

توسعه و ترویج بیشتر هنر تئاتری لهستان مربوط با اقدامات کسانی که در عصر رمانتیسم زندگی می‌کردند میباشد در اینجا مخصوصاً باید نام می‌تسکوویچ را برد. در ابتدای قرن بیستم نسل نمایشنامه‌نویسان جوان لهستانی بسرپرستی استانیسلاو ویسپیانسکی با اقدامات بی نظیر خود عصر تازه‌ای در تاریخ هنر تئاتری لهستان بازی کردند.

پس از آنکه لهستان دوباره استقلال خود را بدست آورد کلیه شهرهای بزرگ آن تئاترهای پابرجائی تأسیس نمودند. ورشو ۲۳ تئاتر داشت. اصل وقاعده هنر تئاتری لهستان در درجه اعلا قرار گرفته بطوریکه بسیاری از نقادان بیگانه آنرا یکی از بهترین اصول تئاتری اروپا دانسته‌اند. فهرست نمایشهای تئاترهای لهستان بطور عجیبی بزرگ است. بغیر از آثار نمایشنامه‌نویسان لهستانی مثل میکیویچ اسلوواتسکی کرازینسکی و فردور نمایشنامه‌های تازه‌ای از آثار ویسپیانسکی پرژی یشوسکی (Przybyszewski) ژرومکسی (Zeromski) و غیره بمعرض نمایش گذارده میشد. قسمت برجسته دیگری نیز در این نمایشهای تئاترهای لهستان (رپرتوارها) آن بازیها و نمایشنامه‌های منتخب نمایشنامه‌نویسان و نویسندگان درجه اول بیگانه است که در تئاترهای مشهور لهستان مثل تئاترهای اریستوفان و شکسپیر و مولیر و شیلر و غیره تهیه میشد.

در لهستان سه آموزشگاه هنرهای تئاتری وجود داشت. گذشته از عده بزرگی از هنرپیشگان منخصص تئاتری در لهستان صدها نفر دیگر از هنرپیشگان معمولی وجود داشت. دولت لهستان نیز باین تئاترها همه گونه کمک مینمود. هنر تئاتری در لهستان باندازه‌ای عمومیت و محبوبیت داشت که در تمام این کشور ممکن نبود که قصبه‌ای یا دهکده بزرگی اقلأ دارای تئاتر کوچکی نباشد.

پست و رادیو

سرزمین لهستان به ۹ ناحیه تلفنی و تلگرافی و پستی تقسیم شده و دارای ۴۶۰۶ اداره تلفن و پست و تلگراف میباشد. لهستان بعنوان عضو اتحادیه پستی جهان و اتحادیه تلگرافی جهان قرارداد ۳۰ نوامبر سال ۱۹۲۰ مادرید و قرارداد مخابرات تلفنی واشنگتن (در سال ۱۹۲۷) و قرارداد مخابرات تلفنی مادرید (سال ۱۹۳۲) و قرارداد سال ۱۹۳۴ قاهره را امضاء نمود.

مخابرات رادیو - تلگرافی لهستان در این سالهای اخیر با سرعت زیادی پیشروی میکرد.

لهستان چهار ایستگاه موج بلند و سه ایستگاه رادیو موج کوتاه داشت. نیاز زیاد خدمات تلفنی منجر بوسعت و بزرگ شدن روشهای شهری - ناحیه‌ای و حفظ اصلی شد.

جنبش رادیو - تلفنی در لهستان اهمیت بین‌المللی دارد. مکالمات بوسیله سیم بایستگاههای رادیو تلفنی خارج کشور مخابره میشود.

مخابرات رادیو - تلفنی با کشتی‌ها بوسیله سیم بر رادیو بندر لهستانی کدیتیا مخابره شده و از آنجا بوسیله رادیو به ایستگاههای کشتی رانی فرستاده میشود.

بخش صدا در لهستان بوسیله «کمپانی رادیو لهستان» اجرا میشود. این کمپانی در ده ایستگاه کار میکرد. در سال ۱۹۳۸ عده دارندگان رادیو در کشور لهستان به ۸۰۰۰۰۰ نفر بالغ گردیده بود برنامۀ رادیو لهستان در سال ۱۹۳۶ از ۲۳ درصد موسیقی کلاسیک و ۳۱ درصد موسیقی معمولی و ۳۰٪ سخنرانی و یادداشت و ۱۶ درصد مواد مختلف تشکیل شده بود.

مطبوعات

قبل از جنگ لهستان ۴۶ نماینده و خبرنگار مطبوعاتی و در حدود ۲۸۵۰ روزنامه و مجله داشت که عده‌ای از اینها در مواقع معین منتشر میشد. این روزنامه‌ها و مجلات باین ترتیب چاپ میشدند.

۲۳۹۳ روزنامه و مجله بزبان لهستانی - ۱۱۷ بزبان اوکراینی روزنامه روتنی سفید ۱۶ روزنامه آلمانی ۱۱۹ روزنامه و مجله یهودی ۱۳۰ - عبری ۲۵ - روسی ۱۵ فرانسوی ۲۰ - انگلیسی ۶ - چک ۱ - لائین ۱ - اسپرانتو ۱ - روزنامه های یومیه ۲۰۲ روزنامه بودند روزنامه‌ها و مجلاتی که گاه بگاه منتشر میشوند در ۲۰۸ شهر لهستان بچاپ میرسیدند و از اینقرار هم تقسیم میشدند.

روزنامه و مجله علمی ۳۴۸ - مذهبی ۲۶۲ - رسمی ۱۱۳ - ورزشی ۳۸ - برای جوانان کودکان ۲۱۹ - اقتصادی ۲۸۶ - برای زنان ۲۵ - برای هنرهای زیبا ۸۰ - نظامی ۱۹ و برای تشکیلات پیشه‌وری ۱۲۸ و غیره

گذشته از این ۱۴۶ روزنامه و مجله لهستانی نیز در کشورهای بیگانه منتشر میشوند روزنامه نویسان لهستانی با یکدیگر ائتلاف نموده و تشکیل انجمنی بنام «اتحادیه روزنامه نویسان لهستانی» را داده بودند و این انجمن عضو «اتحادیه بین‌المللی روزنامه نویسان جهان» بود.

همچنین در شهر ورشو آموزشگاه عالی روزنامه‌نگاری دیگری نیز وجود داشت که در آنجا هم تعلیم و پرورش روزنامه‌نویسی داده میشد.

اقتصاد لهستان



کشور لهستان دارای انواع و اقسام مواد اولیه از قبیل زغال سنگ و سنگ آهن و روی و مس و نفت و سنگ نمک و پتاس و سنگهای معدنی مانند بازالت و سنگ خارا و انواع فسفاتها و فسفریت و گازهای زیرزمینی میباشد. وجود چنین منابع ثروتی ناچار در پیشرفت و بسط صنایع و نیز فلاحات لهستان کمکهای مؤثری مینماید. قبل از سال ۱۹۳۹ کشور لهستان را باید کشوری نیمه صنعتی و نیمه فلاحتی دانست که فلاحات بر صنعت پیشی میگرفت ولی بمرور زمان صنعت در راه ترقی افتاد نزدیک بود جای خود را در ردیف اول حائز شود. در حقیقت باید گفت که کشور لهستان از حیث صنعت بیپایه کشورهای معظم صنعتی نرسید و در مدت صد و پنجاه سالی که در زیر یوغ بیگانگان بود از این حیث سیاست آنها را بخود مشغول داشته بود. این نکته را باید متوجه شد که در لهستان در قرن نوزدهم تغییرات فاحش اقتصادی که جنبه انقلابی داشت رویداد و باید گفت که در طی همین زمان است که قوای خالصه را ایجاد کننده اقتصادی در این کشور بتوسط دولتهای غالب بکلی ضعیف و چراغ آن خاموش شده بود.

در قسمتی که پروسیها بدان مسلط بودند اقتصاد کاملاً جنبه فلاحتی داشته و سیاست آندولت متوجه این قسمت از اقتصاد بوده است. ناحیه پوزنانی انبار گندم بزرگی برای دولت پروس شده بود تنها ناحیه در سیلزی علیا بود که بواسطه داشتن منابع سرشار مواد اولیه مانند زغال سنگ و آهن و روی و غیره اوضاع اقتصادی قدری

تغییر یافته و بیشتر جنبه صنعتی بخود گرفته بود و در همین ناحیه است که آلمانها در صدد بودند ترادلّهستانی را از میان برده ساکنین آنها را از آلمانیهای خالص تشکیل دهند.

در ناحیه متصرفی اتریشها که ساکنین لهستانی آن نسبتاً آزادی عمل داشته از سایر قسمتها اقتصادی ضعیف تر و عقب تر بود در این ناحیه اصولاً فلاحت اساس اقتصاد را تشکیل میداد و مجبور بود که مایحتاج محصول صنعتی خود را از محصولات صنعتی اتریش مرتفع سازد. تنها ماده اولیه‌ای که از این سرزمین استفاده میشد نفت بود از قسمت شرقی آن استخراج میگردد.

از میان سه قسمت متصرفی فقط ناحیه مرکزی لهستان یعنی قسمت روسها بود که صنایع بعد اعلای بسط و ترقی خود رسیده بود نواحی صنعتی ورشو و لدز و ناحیه معدنی دمبروا (Dombrowa) مشهور بودند. دو علت را میتوان برای این موضوع متذکر شد.

۱ - در فاصله میان سالهای ۱۸۱۵ و ۱۸۳۰ این قسمت از کشور شامل ناحیه مستقلی بود که باینکه در زیر نفوذ روسها قرار داشت معذلت در امور داخلی خود بخصوص در امر اقتصاد مستقل و مختار بوده است. در تحت اداره عاقلانده و مدبرانه وزیر دارائی آنزمان یعنی لوبتسکی (Lubecki) که بدون مبالغه باید ویرا « کلبر لهستان » نامید نقشه استخراج معادن زغال سنگ و ایجاد کارخانههای بافندگی ریخته شده و کشور را بسوی اقتصاد صنعتی سوق داد.

۲ - قسمت متصرفی روسیه بستکی کاملی بروسیه پهناور فلاحتی داشت که ناچار بازار مناسب و خوبی برای محصولات صنعتی لهستان تشکیل میداد. ولی از زمانی که روسیه در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ وارد مرحله صنعتی گردید از بسط صنایع لهستان بتوسط حکومت تزاری بعنوان جلوگیری از رقابت با صنایع آن کشور ممانعت بعمل آمد.

بعلاوه سرزمینهای لهستان شرقی واقع میان مراکز صنعتی لهستان مرکزی و مراکز صنعتی روسیه کاملاً فلاحتی بوده و بواسطه موجود نبودن مواد اولیه معدنی نمیتوانست صنعتی باشد.

بدین ترتیب جای شکفت نیست که در سال ۱۹۲۱ فقط 10.3% ساکنین زندگانی صنعتی و معدنی داشته و مابقی یعنی 72.3% از طریق فلاحت و کشاورزی زندگانی نمایند.

در مدت بیست سال استقلال تغییرات فاحشی در امور اقتصادی لهستان بظهور رسید. طبق آمار سال ۱۹۳۱ صدی چند ساکنین در قسمتهای مختلفه زندگی بدینقرار بوده است. 60.9% در امور فلاحت و کشاورزی. 19.4% در کارخانهها و معادن. 6.1% در بازرگانی و 3.6% در وسائط حمل و نقل و ارتباط. 2.2% در کارهای خدمات عمومی بانضمام خدمات مذهبی. 1.1% در آموزش و پرورش. 0.9% در بهداری و خدمات اجتماعی و 4.7% در سایر مشاغل و کارها باوجود تغییرات اساسی که در فاصله سالهای ۱۹۱۸ و ۱۹۳۹ داده شد و باوجود ترمیم اوضاع مشاغل اهالی معدنک اساس اقتصاد کشور لهستان بر روی فلاحت استوار ماند مقایسه این اعداد 60.9% اشتغال ساکنین لهستان در امور فلاحت و 22.7% در سوئیس و 20.9% در آلمان خود این موضوع را ثابت میدارد. چنین روش اقتصادی اثر قابل توجهی در بهای محصولات لهستان که مقدار آن در سال ۱۹۲۵ به ۱۹ میلیارد زلوتی (واحد پول لهستان) رسیده بود باقی گذاشت در حالیکه از آن بریتانیای کبیر بالغ بر ۸۳ میلیارد و آلمان بر ۱۱۵ میلیارد و فرانسه بر ۷۶ میلیارد و ایتالیا ۳۵ میلیارد بوده است.

این کشور بهای محصولاتشان از لهستان پائین تر بوده است - اسپانیا ۱۷ میلیارد رومانی ۱۱ میلیارد - هنگری ۷ میلیارد.

کشاورزی

طبق سرشماری سال ۱۹۳۱، ۲۷٫۲٪ از ساکنین لهستان در شهرها مابقی یعنی ۷۲٫۸٪ در دهات و قصبات زندگانی میکردند جمعیت نسبی لهستان در هر کیلومتر مربع ۹۰٫۷ میباشد بدین ترتیب بر بعضی از کشورها مانند فرانسه ۷۶ در هر کیلومتر مربع و یوگوسلاوی ۶۱ در هر کیلومتر مربع و رومانی ۶۶ در هر کیلومتر مربع و بسیاری دیگر برتری دارد. با وجود اینکه این جمعیت نسبی از انگلستان و آلمان (باستثنای بلژیک و هلند) کمتر است معذک و سببه ازدیاد نفوس را بدش از اندازه معمول و در نتیجه مهاجرتها فراهم آورده است.



زمینهای گنده در لهستان

طبق آمار سال ۱۹۳۱ املاک فلاحتی کوچک (کمتر از دویست هزار متر مربع)

۹۶٫۷٪ مجموع را شامل بوده ولی فقط ۶۲٫۵٪ اراضی حاصلخیز را تشکیل میداده است بدین واسطه دولت لهستان ناچار شد که در تقسیم اراضی بین زارعین و رعایا چاره‌ای اندیشیده و در ترمیم اوضاع فلاحتی کشور با اقداماتی مؤثر متوسل گردد. از سال ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۹ مقدار ۲۶۵۴۷۰۰ متر مربع که متعلق به ملاکین بزرگ بوده است در میان ۱۷۳۴۱۰۰ زارع تقسیم شده است همین موضوع خود بزرگترین دلیل ترمیم اوضاع فلاحتی و کشاورزی در کشور لهستان بوده است.

تنها وسیله جلوگیری از زیادی گرفتن کارگران در دهات و قصبات و مزارع در نتیجه ممانعت از مهاجرت آنها صنعتی شدن کشور میباشد که بدین طریق مازاد کارگران در مزارع بنواحی صنعتی و شهرها آمده بکار مشغول میشوند. فهرست زیر اندازه وسط فلاحت را در فاصله سالهای ۱۹۱۹ و ۱۹۳۸ در لهستان معین مینماید.

فزوننی جمعیت اراضی حاصلخیز از ۱۶۴۸۰۰۰۰۰ به ۱۷۶۹۹۰۰۰۰ متر مربع که بدین طریق محصولات فلاحتی روز بروز روبرقی و تزايد گذاشت. در طی این مدت محصول گندم از ۷۰۰۹۸۰۰ تن به ۷۲۰۳۴۰۰ تن و محصول سیب زمینی از ۳۱۷۴۹۸۰۰ تن به ۳۴۵۵۸۲۰۰ تن ترقی کرد.

مهمترین محصول فلاحتی لهستان در سال ۱۹۳۹ بدین قرار بود - جو (۱۴٫۶٪ محصول دنیا) سیب زمینی (۱۴٫۲٪ محصول دنیا) گندم و جو دوسر. در لهستان تعادل شدیدی بزاید کردن گیاههای صنعتی مانند کتان و چغندر و شاهدانه و توتون و گیاههای روغن دار بوده است.

تربیت حیوانات

کشور لهستان اصولاً برای تربیت حیوانات و چارپایان بسیار مساعد است طبق آمار سال ۱۹۳۱ وسعت مراتع و چراگاهها ۱۷٪ وسعت این کشور را شامل بوده است. در سالهای اخیر قبل از جنگ دوم بین‌المللی محصول علوفه لهستان بطور قابل

ملاحظه‌ای در ترقی بوده است .

شماره اسبها در سال ۱۹۳۹ بالغ بر ۳۹۱۶۰۰۰ بوده که برای خدمات فلاحتی ، کار
میرفته ، سواره نظام لهستانی در طی تاریخ مشهور آفاق بوده است . در صورتیکه اتحاد
جاهیر شوروی را استثناء نمائیم لهستان بیش از سایر کشورهای اروپائی دارای اسب
هیباشد . (بیش از آلمان ، فرانسه ، و عرب) .



گله‌های کوسفند در گوه‌های لهستان

در سال ۱۹۳۸ لهستان دارای ۵۰۰۰ ۱۰۵ چارپا بوده است که از این حیث
باستثنای روسیه درجه سوم را در اروپا حائز بوده است . شماره چارپایان نسبت بحجمیت
در لهستان فوق‌العاده بش از ایران میباشد . از حیث تربیت حوک لهستان در مرتبه
دوم می باشد (۷۵۲۵۰۰۰ رأس) (باستثنای روسیه) .

بنابر این مشاهده میشود که کشور لهستان از حیث شماره اسب و حوک و گاو
و کوسفند و بز مقام مهمی را در دنیا حائز است . از حیث شماره کوسفند (۳۴۱۱۰۰۰)

رأس در ۱۹۳۸) فوق العاده کمتر از ایران میباشد و زحمات و اقداماتی که در طی سالهای زمان استقلال برای ترقی دادن محصول پشم برای کارخانه های بافندگی کشیده شد بموفقیت های منتظره نتیجه و منجر نشد چنانکه شماره بز در سال ۱۹۳۸ از ۴۲۰۰۰۰ رأس تجاوز ننمود.

اقتصاد جنگل

کشور لهستان دارای منابع سرشار و ثروت هنگفتی از حیث محصولات جنگلی میباشد که در اقتصاد آن عمل عمده ای را بعهده دارد. در سال ۱۹۳۷ وسعت جنگلهای لهستان بالغ بر ۸۶۲۴۰۰۰ هکتار بوده است که مرتبه پنجم را پس از فنلاند و سوئد و آلمان و فرانسه دارا میباشد این وسعت ۲۲٫۲٪ تمام مساحت کشور را شامل میشود از این حیث لهستان از بعضی کشورهای اروپائی مانند آلمان که با وجود صنعتی بودن آن ۲۷٫۵٪ وسعت آنرا شامل است عقب تر میباشد. با این تفصیل لهستان در بازارهای اروپائی یکی از مهمترین کشورهای صادر کننده چوب میباشد بیشتر از جنگلهای لهستان املاک شخصی بوده. فقط ۳۹٪ آن متعلق بدولت میباشد جنگلهای دولتی از حیث آبدی و وسعت از جنگلهای شخصی مهمتر و برتر میباشد در روی همین اصل دولت برای جلوگیری از برافتادن و خراب شدن جنگلها بمنظور منافع عمومی قوانینی وضع و دست اشخاص را در این قسمت کوتاه کرده است.

در جریان جنگ اخیر مهاجمین با وضعی اسفناک و وحشیانه در برانداختن و خراب کردن جنگلهای لهستان از هیچگونه کاری خودداری نکرده اند مقدار درختی که بدست آلمانیها افتاده است فوق العاده زیادتر از آن مقداری است که قبل از جنگ در طی سالهای متمادی از میان رفته است. پس از جنگ دولت لهستان مجبور است با اقداماتی متوسل شود تا جبران خسارات آلمانیها شده و مقام این کشور را در صادرات چوب قبل از جنگ برسد.

صنعت استخراج معادن

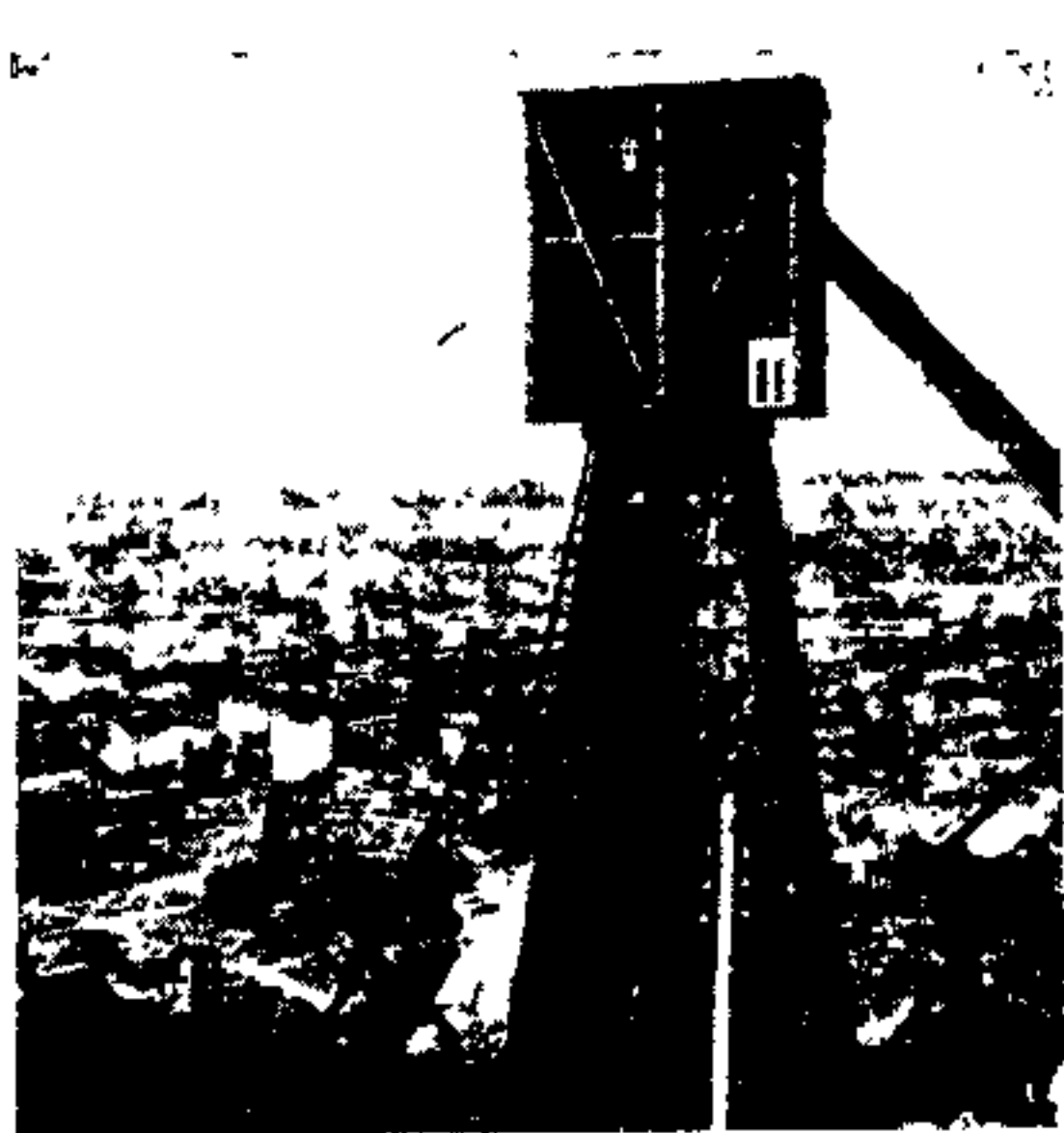
وجود منابع سرشار مواد اولیه معدنی در لهستان باعث شده است که این کشور با قدمتهای سریع بجانب بسط و ترقی صنعت و استخراج معادن برود. بیش از هر چیز استخراج ذغال سنگ در لهستان دارای اهمیت میباشد در سال ۱۹۳۸ مقدار ۳۸۰۱ میلیون تن ذغال سنگ از معادن لهستان استخراج شد که با این مقدار این کشور را در ردیف بزرگترین کشورهای ذغال خیز اروپا قرار میدهد. بعلاوه لهستان دارای مقدار معتنابهی ذغال سنگ مگس میباشد.

معادن ذغال سنگ لهستان در سه ناحیه بدینقرار میباشد: حوزه سیلزی، حوزه دمبروا و حوزه کراکوو که مربوط است بحوزه پولونو - سیلزو - موراوی مهمترین این سه حوزهها ناحیه سیلزی میباشد که از حیث اهمیت بردو ناحیه دمبروا (درجه دوم) و کراکوو تفوق دارد. حوزه کراکوو با اینکه از دو حوزه دیگر کم اهمیت تر است ولی بنظر می آید که آینده درخشانی داشته باشد.

ذغال سنگ لهستان اصولاً از حیث جنس بسیار عالی و کاربن آن زیاد و خاکسترش بسیار کم میباشد. مقدار حرارت آن از حد متوسط ۶۲۰۰ تا ۷۲۰۰ کالری تغییر میکند و بهمین واسطه است که ذغال سنگ لهستان در بازارهای بین المللی با سایر ذغال سنگهای دیگر رقابت کرده و مشتری زیاد دارد در مدت بیست سال ذغال سنگ لهستان بخصوص در بازارهای کشورهای اسکاندیناوی و اروپای مرکزی و جنوبی و باختری بر سایر ذغال سنگها تفوق و برتری داشته و با آنها رقابت میکرده است در سال ۱۹۳۸ صادرات ذغال سنگ لهستان به ۱۱۰۷ میلیون تن رسید. استخراج ذغال سنگ در لهستان و معادن آن عموماً در دست دولت و مقدار بسیار کم آن در اختیار شرکتیهای خصوصی میباشد و بهمین واسطه است که روز بروز بر اهمیت آن افزوده میشود. در لهستان معادن آهن بطور کلی کمیاب میباشد ولی این مقداری هم که موجود است در صنایع

فلز کاری این کشور کمکهای شایانی مینماید مقدار محصول سنک آهن که از داخله کشور استخراج میشود و بکار صنایع فلز کاری میخورد و نیز مقداری که از خارج وارد میشود در هر سال تغییر میکند قبل از سال ۱۹۳۹ مقدار سنک آهن وارده در لهستان ۴۳٪ و مقدار استخراجی داخلی ۵۷٪ بوده است.

مرکز اصلی استخراج سنک آهن در لهستان در ناحیه وی یلون (Wielun) در اطراف چنستوخووا میباشد در طی مدت استقلال استخراج آهن بطور قابل ملاحظه ای روبفزونی گذاشت در سال ۱۹۳۸ مقدار آن ۸۷۲۰۰۰ تن رسید در حالیکه در سال ۱۹۱۳ فقط مقدار آن ۴۹۳۰۰۰ تن بوده است با وجود استخراج این مقدار لهستان مجبور بوده است که مقدار زیادی آهن از خارج بخصوص از سوئد و اتحاد جماهیر شوروی و افریقای شمالی وارد نماید. در لهستان در ناحیه سیلزی و کلیتسه (Kielce) معادن بی شماری روی و سرب وجود دارد ولی متأسفانه بواسطه اینکه



مقدار فلز معادن مزبور بسیار قلیل است و استخراج آن صرف نمیکند چندان مورد توجه و مشر ثمر واقع نشده است بهمین واسطه است که معادن داخلی روی و سرب نمیتواند احتیاجات کارخانه ها را رفع نماید در سال ۱۹۳۰ مقدار محصول روی بالغ بر ۴۹۸۰۰۰ تن و سرب بالغ بر ۴۴۰۰۰ تن بوده است.

کان نفت «بوریسلاو» در لهستان

لهستان یکی از کشورهای اروپایی است که در آن معادن نفت وجود دارد

صنایع نفتی در این کشور از هر حیث کامل است لهستان از حیث احتیاجات نفتی اتکاء کامل بخود دارد .

در سال ۱۸۵۶ در لهستان اولین بار با استخراج معادن نفت دست زدند قبل از جنگ ۱۹۳۹ در لهستان سه حوزه نفت بدینقرار وجود داشت . ۱ - ناحیه دروخوبیچ (Drohobycz) که شامل نواحی بوریسلاوو و توستانوویستسه (Tustanowice) مراژنیتسا (Mraznica) نیز نامیده میشود است . ۲ - ناحیه یاسلو (Jaslo) ۳ - ناحیه استانیسلاوو (Stanislawow) مهمترین این حوزه ها حوزه دروخوبیچ (Drohobycz) میباشد ولی نکت نفت آن بتدریج محسوس میشود در حالیکه بعد از منبع نفتی حوزه یاسلو روز بروز بر مقدار آن افزوده میشود است .

در سال ۱۹۳۸ مقدار محصول نفت این سه حوزه بالغ بر ۵۰۷۰۰۰ تن بوده است . نفت خام بطور کلی در کارخانه های تصفیه داخلی تصفیه و آماده میشود است و همین امر بر منافع و اهمیت نفت این کشور می افزاید . شماره کارخانه های تصفیه ۳۷ میباشد که سی و دو تای آن در حال عمل میباشد و مقدار نفتی که در کارخانه های مربوط تصفیه و تقطیر میشود بالغ بر ۱۲۰۰۰۰۰ تن بوده است .

در لهستان بعلاوه چشمه های گازهای زیرزمینی فراوانی وجود دارد ولی در سال ۱۹۳۹ فقط مقدار بسیار قبلی از این چشمه ها کشف و بکار انداخته شده مقدار مصرف گاز در لهستان در سالهای اخیر قبل از جنگ (۱۹۳۰) ۴۹۰ میلیون متر مکعب حد متوسط در سال بوده که با ۵۰ مصرف ذغال سنگ تطبیق میسرده است .

محصول گازلین در لهستان در ۱۹۳۷ بیش از ۳۹۰۰۰ تن بوده است که بیشتر آن از ناحیه دروخوبیچ استخراج میشود . برای تقسیم گاز علاوه بر لوله های اطراف چشمه لوله هایی نیز بجایگاهای بسیار دور کشیده شده است . صنایع نفتی لهستان بی پایه صنایع نفتی کشورهای متحده امریکا و اتحاد جماهیر شوروی و ایران که مقام اول را از این حیث در دنیا دارند نمیرسد ولی با این تفصیل از نظر رفع احتیاجات داخلی بسیار مفید

و حتی مقداری از آن بخارج حمل میشود چنانکه در سال ۱۹۳۷ مقدار $\frac{۲۴۷}{۱۰۰}$ از مجموع مقدار مستخرجه بخارج صادر گردید در آینده باید منتظر بود که با ترقی کارخانجات و استعمال ماشینها در امور فلاحتی کشور لهستان از ردیف صادر کنندگان نفت خارج خواهد شد و شاید روزی برسد که احتیاج بوارد کردن آن نیز داشته باشد استخراج معادن نمک در لهستان از قرون دهم و یازدهم میلادی و بلکه پیش از آن شروع شده است صنعت استخراج نمک از ۱۵۰ سال پیش باین طرف شروع شده است . مقدار محصول نمک در سال ۱۹۳۸ بالغ بر ۶۴۳۰۰۰ تن بوده در حالیکه قبل از جنگ گذشته فوق العاده کمتر از این مقدار میباشد . لهستان احتیاجات داخلی خود را از حیث نمک رفع میکند ولی صادرات آن بسیار قلیل میباشد .

صنایع نمکهای پتاسی (کودهای پتاسی) پس از جنگ ۱۹۱۴ روز بروز در لهستان رو بفرونی رفته است چنانکه اگر در سال ۱۹۱۳ مقدار آن ۱۴۰۰۰ تن بوده در سال ۱۹۳۸ این مقدار به ۵۶۷۰۰۰ تن رسیده است مواد نمکی بطور کلی مانند کودهای شیمیائی در کشاورزی بکار میرود و مقداری از آن نیز بخارج حمل میشود در ۱۹۳۶ و ۱۹۳۷ محصول اکسید دو پتاس خالص ۵۸۶۷۸ تن بوده که ۳۲۰۸۷ تن آن برای احتیاجات داخلی مصرف شد و مابقی بخارج حمل گردید . در استخراج نمک نیز دولت دخالت تام داشته است .

فلز کاری و ذوب فلزات

ذوب فلزات يك رشته مهم صنایع سنگین لهستان را تشکیل میدهد . فلز کاری لهستان بواسطه نه کارخانه که دارای نوزده کارخانه ذوب بوده اداره میشود است در سال ۱۹۳۷ چهارده کارخانه ذوب بکار مشغول بودند محصول آهن خام در سال ۱۹۳۸ از ۸۷۹۰۰۰ تن تجاوز میکرده است محصول فولاد فوق العاده بیش از این مقدار بوده چنانکه در سال ۱۹۳۸ بیش از ۱۴۴۱۰۰۰ تن محصول داشته است کارخانه های فولاد سازی لهستان

دارای ۵۵ کوره از نوع مارتن و ۱۲ کوره الکتریک بوده است. در سال ۱۹۳۷ چهار و شش کوره مارتن و تمام کوره‌های الکتریک در فعالیت بوده‌اند. مقدار آهن مستخرجه از کارخانه‌ها و کوره‌ها رفع احتیاجات داخلی را نموده و مازاد آن بخارج صادر شده است بدین‌مقدار در سال ۱۹۳۷ مقدار محصول داخلی ۸/ و مقدار صادر شده ۲۰/ بوده است.

کشور لهستان یکی از بزرگترین و مهمترین کشورهای حاصل **صنایع روی و سرب** کننده روی در اروپا میباشد. در سال ۱۹۳۸ در این کشور



صنایع روی کاری در لهستان

۱۰۸۰۰۰۰ تن روی استخراج شده است در سال ۱۹۳۵ لهستان از حیث استخراج این فلز درجه پنجم را در میان کشورهای استخراج کننده دنیا داشته است. و بالعکس صنعت و محصول سرب در لهستان چندان مهم نیست و مقدار آن در سال ۱۹۳۸ برابر ۲۰۰۰۰ تن بوده است.

صنایع فلز کاری در لهستان فوق‌العاده رواج داشته است و کارخانه‌های آن از ماشینهای بسیار سنگین تا اشیاء ظریفه

صنایع فلز کاری

ولوکس بیرون میداده است بطور کلی هشتاد درصد کارخانه‌های فلز کاری در لهستان بوسیله سرمایه‌های داخلی و از مواد اولیه خود کشور اداره شده و بکار مشغولند. تنها

بعضی فلزات مانند مس و نیکل و مفرغ و آلومینیوم از خارج وارد میشود کارخانه عموماً در استانهای ورشو و سیلزی و پوزنانی و لدز و کراکو و وپومرانی متمرکز میباشد کیلتسه طبق آمار سال ۱۹۳۷ (۳۱ دسامبر) ۱۵۱۸۷۰ نفر کارگر در کارهای فلز کاری بکار مشغول بوده اند.

محصول کارخانه های فلز کاری لهستان عبارتند از: تبغه های از روی و صفحات فولادی و حلبی و انواع و اقسام آلات و ابزار و سیمهای آهنی و میخ و پیچ و میخ پرچین شده و غیره و بخصوص باید ماشینها و آلات و ابزار و فولادی محصول کارخانه های فلز کاری لهستان را در اینجا متذکر شد مواد فلزی و اصلی که از لهستان صادر میشوند عبارتند از: رایل و لوله های آهنی در سال ۱۹۳۷ این کشور مقدار ۳۶۰۰۰۰۰۰ زلوتی رایل بایران صادر نمود. (ارزش يك زلوتی لهستانی در حدود ۲۰ ریال ایران است).

صنایع الکتریکی صنایع الکتریکی پس از جنگ ۱۹۱۴ روز بروز رو به پیشرفت نهاد مرکز اصلی آن در ورشو میباشد در لدز و پوزنانی و لور و کراکو و کاتوو و تره کارخانه های نسبتاً غیر مهم وجود دارد کارخانه های صنایع الکتریکی لهستان ماشینهای الکتریکی و ترانسفورماتور و کابل و لامپ و غیره می ساخته است.

در لهستان صنایع رادیو تکنیک با صنایع الکتریکی هم قدم بوده و ماشینهای گیرنده و رادیو و قطعات برای عوض کردن ساخته می شده است. در سالهای اخیر قسمتهای الکتر تکنیک برای اتومبیل نیز ساخته میشود و این محصول با اندازه ای رو بترقی میرفته است که نه تنها احتیاجات داخلی را مرتفع میساخت بلکه بتدریج شروع برفتن در بازارهای خارجی نیز کرده بود.

صنعت بافندگی

مراکز اصلی کارخانه های بافندگی لهستان در لدز و اطراف آن و بیالستوک

ویلسکو و اطراف آن و در سیلزی میباشد مرکز صنعتی لذمهترین مراکز صنعتی بافندگی لهستان میباشد که در این ناحیه تمام کارخانه‌های بافندگی پنبه‌ای و پشمی تمرکز دارند. در لذنیز کارخانه‌های انواع کلاه‌های مردانه و زنانه و پارچه‌های پنبه‌ای نیز وجود دارد در بیالستوک بیشتر ملافه‌های کتانی و انواع پارچه‌های کم قیمت بافته میشود و محصول کارخانه‌های ویلسکو بیشتر پارچه پشمی و پارچه بهادار میباشد صنایع بافندگی لهستان یکی از اقلام مهم اقتصاد این کشور را شامل میشود و بیشتر کارگران کارخانه‌ها در بافندگی بکار مشغولند. مقدار محصول کارخانه‌های مزبور از حیث قیمت بالغ ۱ میلیارد زلوتی در هر سال بوده است.

طبق آمار ۳۱ دسامبر ۱۹۳۷ بالغ بر ۱۴۵۸۴۴ نفر کارگر در کارخانه‌ها و کارگاه‌های بافندگی لهستان بکار مشغول بوده‌اند.

اساس صنعت بافندگی در لهستان بیشتر در روی مواد اولیه‌ای که از خارج از کشور وارد میشود بنا نهاده شده است پنبه و بعد پشم بیش از سایر مواد مورد احتیاج است در سالهای اخیر در لهستان ذی نفعان در صدد بودند بلکه بتوانند کاری کنند مواد مصنوعی بجای مواد اولیه طبیعی که از خارج وارد میشود بکار برده شود تا اینکه در سال ۱۹۳۷ ماده‌ای بشکل پنبه اختراع شد که از الیاف کتان و شاهدانه بدست می‌آید این اختراع بتدریج در بعضی از کارخانه‌ها مورد آزمایش گذاشته شد تا سرانجام عملی و بطور اکمل بکار افتاد. در اوت سال ۱۹۳۸ کارخانه‌ای در لذز برای بکار بردن این الیاف پنبه مصنوعی ایجاد گردید بعلاوه در پایبانیتهسه (Pabjanice) کارخانه دیگری برای مورد استفاده قرار دادن الیافی مصنوعی که از کازین درست شده بود تأسیس گردید. باتمام این تفصیل در صورتیکه در آینده لهستان بخواهد بکارخانه‌ای بافندگی خود ترقی دهد مجبور است مقدار معتناهی مواد اولیه خام طبیعی برای کارهای بافندگی خود از خارج وارد کند.

شماره‌شانه‌های کارخانه‌های بافندگی پارچه‌های پنبه‌ای در لهستان ۴۴۰۶ هزار

و شماره شانه‌های کارخانه‌های بافندگی پشمی ۱۳۰۷ هزار و شماره دوکها در کارخانه‌های پنبه‌ای ۱۹۰۰۰۰۰ و در کارخانه‌های پشمی ۸۰۰ هزار میباشد.

صنعت بافندگی کتان هندی و کنف در چنستوخودا و بیلسک متمرکز شده بود و این شعبه مهمی از صنایع بافندگی لهستان را تشکیل میداد.

کارخانه‌های بافندگی پارچه‌های کتان بزرگ و ژیراردو (Zyrardow) (پس از ورشو) و بی‌یلسک دارای ۳۷ هزار دوک و ۱۷۰۰ شانه میباشد بافندگی پارچه‌های ابریشمی (۲۴۰۰ شاه) و کارخانه‌های جوراب بافی و توربافی و بردری و نخ ریزی در لهستان نیز معمول است. مقدار محصول جورابهای ابریشمی در سال از ۱۶ میلیون جفت تجاوز میکرده است.

کشور لهستان مقدار معتنابهی از محصول بافندگی خود را صادر مینماید که از این میان باید پارچه‌های پشمی و پنبه‌ای و کتانی و تور و روبان را باید نامبرد.

صنعت شیمیائی

محصول صنعتی شیمیائی لهستان فوق‌العاده متغیر و عبارتند از: کودهای مصنوعی مواد رنگی، دواجات، عطریات و انواع و اقسام آسیدها و نمکها و بالاخره اقسام مواد مصنوعی که ممکن است بجای مواد طبیعی بکار برده شود. مجموع قیمت مواد شیمیائی ساخته شده در لهستان در سال ۱۹۳۷ بالغ بر ۹۰۰ میلیون زلوتی می‌شده است در جریان هشت سال اخیر قبل از سال ۱۹۳۹ مجموع قیمت مواد شیمیائی ساخته شده در این کشور از دو برابر نیز تجاوز کرده و بنظر می‌آید که اندازه آن روزافزون بوده است چنانکه سابقاً تذکر داده شد کشور لهستان از حیث مواد اولیه شیمیائی فوق‌العاده ثروتمند میباشد بخصوص که کشف منابع «پیریت» محصول آسید سولفوریک را که اساس تمام مواد شیمیائی می‌باشد بیش از حد معمول زیاد کرده و کشور را از وارد کردن از خارج بی‌نیاز نموده است.